

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه :
۱۷	فصل اول : سرگذشت «سوژه» در جامعه‌شناسی
۲۶	رابطه‌ی عاملیت و ساختار (از تضاد تا تلفیق)
۲۶	نظریه‌ی ساختاربندی گیدنز
۲۸	نظریه‌ی ساختمان ذهنی و زمینه‌ی بوردیو
۳۴	نقش موقعیت در نظریه‌ی کنش
۳۶	موقعیت عادی
۳۶	موقعیت بحث‌انگیز
۳۷	گفتمان به منزله‌ی سپهری فراگیر
۳۸	گفتمان پیشامدرن
۳۸	گفتمان مدرن
۳۹	گفتمان پسامدرن
۴۸	کشاکش فرد و گفتمان در عرصه‌ی جهان اجتماعی
۴۹	گفتمان همسان‌گرا
۴۹	گفتمان تکثرگرا
۵۷	فصل دوم : گفتمان‌های علوم انسانی
۶۱	دکارت و دغدغه‌ی سوژه‌ی «رها»
۶۳	کانت و دغدغه‌ی «رهایی» سوژه
۶۶	گفتمان‌های سازنده‌ی علوم انسانی
۶۶	معنای گفتمان
۶۸	۱- گفتمان اصالت جهان
۷۲	۲- گفتمان اصالت انسان
۷۶	۳- گفتمان اصالت عقل

۱۲۷	ج) استراتژی‌های «ساده‌سازی»
۱۲۷	۱- ایدئولوژی
۱۲۸	۲- رسانه‌های توده‌ای
۱۳۰	۳- علوم اجتماعی
۱۳۱	فصل پنجم: از زبان سلطه تا سلطه‌ی زبان
۱۳۱	بازتولید سلطه توسط نظام‌های اجتماعی مدرن
۱۳۷	سلطه‌ی زبان
۱۴۰	زبان و قدرت
۱۴۰	قدرت در زبان و قدرت در پس زبان
۱۴۷	زبان و سیاست
۱۴۹	نظم معنایی لیبرال دموکراسی
۱۵۱	نظم معنایی کمونیستی
۱۵۲	نظم معنایی اسلام سیاسی
۱۵۴	نظم معنایی بنیادگرایی
۱۵۶	نتیجه‌گیری
۱۵۹	فهرست منابع

۸۳	فصل سوم: پدیدارشناسی سلطه
۸۷	چگونه قدرت به سلطه تبدیل می‌شود؟
۹۱	۱- دین
۹۲	الف: تفاوت میان امر مقدس و غیرمقدس
۹۲	ب: تفاوت میان خداوند و بنده
۹۳	ج: تفاوت میان مؤمن و کافر
۹۴	۲- ایدئولوژی
۹۵	الف: مفسران ایدئولوژی و مقلدان ایدئولوژی
	ب: رسمیت یافتن تصویری که مخاطبان از واقعیت اجتماعی عرضه می‌کنند
۹۶	ج: رابطه‌ی معتقدان و منکران ایدئولوژی
۹۷	۱- دولت (نظم سیاسی)
۹۸	۲- اقتصاد
۱۰۰	۳- آموزش و پرورش
۱۰۱	۴- رسانه‌ها
۱۰۳	فصل چهارم: «سوژه» و مکانیسم‌های سلطه
۱۱۱	از موقعیت تا تفسیر
۱۱۲	مکانیسم‌های توهم-گریز
۱۱۳	مکانیسم‌های توهم
۱۱۶	مکانیسم‌های گریز
۱۲۰	فرایند سلطه و استراتژی‌های غفلت
۱۲۱	الف) استراتژی «آشنا» تلقی کردن
۱۲۱	۱- طبیعی تلقی کردن موضوع شناخت
۱۲۱	۲- دائمی تلقی کردن موضوع شناخت
۱۲۲	۳- عادی و فراگیر تلقی کردن موضوع شناخت
۱۲۴	ب) استراتژی اولویت‌بخشی
۱۲۴	۱- اولویت مصالح و منافع عمومی
۱۲۵	۲- تأمین رفاه و امنیت
۱۲۶	۳- آرامش فکری

فصلنامه تخصصی

۱-۱	۸۶
۱-۲	۸۷
۱-۶	۶۶
۲-۱	۶۸
۲-۲	۱۸
۲-۱	۶۱۱
۲-۲	۶۱۲

فصلنامه تخصصی

۱-۱	۶۶
۱-۲	۶۱۱

مقدمه

با گذار آدمیان از بدویت به مدنیت، نه تنها پیچیدگی‌های زیست اجتماعی افزایش یافت بلکه قیدوبندهای بیشتری بر دست و پای او نهاده شد. در دوره‌ای طولانی از زندگی اجتماعی، سنت متکی بر حاکمیت دین تمامیت زندگی انسان‌ها را تسخیر و جهت‌گیری، روابط، مضامین و تکالیف حیات اجتماعی او را تعیین می‌کرد. زیستن در چنین فضایی، دایره‌ی کنش انسان‌ها را محدود و آنان را اسیر روابط مبتنی بر آداب و رسوم، آیین‌های قومی - مذهبی و سنت‌های اجتماعی می‌ساخت. اما با ورود آدمی به عصر مدرن و خروج وی از صغارت خویش به تعبیر رسای کانت، دورانی از حاکمیت فردیت به جای جماعت آغاز شد. با فروپاشی نظم کهن مبتنی بر اصالت سنت‌های اجتماعی - مذهبی، آدمی جرئت اندیشیدن به تابوهای تاریخی و جسارت ایجاد تغییر در ماهیت زیست اجتماعی خود را کسب کرد و فصلی نوین را در تاریخ بشریت رقم زد. دورانی که نویدبخش رهایی انسان از سیطره‌ی قید و بندهای مذهبی، تاریخی و اعتقادی پیشین بود. دیگر قرار نبود آدمی مقهور طبیعت، تاریخ، مذهب و دگم‌های اجتماعی باشد بلکه بنا بود که انسان در مقام معمار وجود خویش، جسارت ساخت بخشیدن به شخصیت خود و بی‌نیازی از تأثیرات سلطه‌آفرین متغیرهای بیرونی را به دست آورده باشد. اما و هزار اما تجربه‌ی عصر پساروشنگری نشان داد که این تصویر تا چه حد خوش‌بینانه بوده است. انسان مدرن رها شده از جبرهای سخت‌افزاری که به واقع مسیر شکوفایی استعدادهای او را مسدود کرده بود، در کمند نرم‌افزاری گرفتار آمد که بیش از هر چیز محصول غلبه‌ی

عقلانیت صوری بر عقلانیت ذاتی بود. آرمان‌های رفیع عصر روشنگری همچون آزادی، خردگرایی و حقوق بشر در چنبره‌ی جبر تکنولوژیک، توسعه‌ی تک‌خطی و پیشرفت کمی گرفتار آمد و سلطه‌ی پیچیده، پنهان و ناملموس عصر مدرن را رقم زد. پدیده‌ای که برخلاف دوران پیشامدرن، مبتنی بر توافق حداکثری دو سویه‌ی سلطه‌گر - سلطه‌پذیر در پذیرش و تداوم آن بود. اثر حاضر که در پنج فصل تهیه و تدوین شده، مبتنی بر پژوهشی پیرامون سوژکتیویته، تأثیرات گفتمان و پدیدارشناسی سلطه است.

فصل نخست کتاب تحولات سوژه را در علوم انسانی به‌نحو عام، و جامعه‌شناسی به‌طور خاص بررسی می‌کند. نگارنده در این فصل کوشیده است با مرور نقش ساختارگرایانی همچون دورکیم و مارکس در بنیاد نهادن جامعه‌شناسی، زمینه‌های شکل‌گیری رویکردهای تنگ‌دامنه‌تر همچون پژوهش‌های وبر را تحلیل کند. در ادامه نگارنده به بیان آرا و نظریات جامعه‌شناسان متأخری همچون گیدنز و بوردیو به‌عنوان صاحبان رویکرد تلفیقی به رابطه‌ی میان کنش و ساختار پرداخته است. از سوی دیگر، مقوله‌ی گفتمان نیز به‌منزله‌ی سپهری فراگیر، تعیین‌کننده‌ی مناسبات اجتماعی محسوب می‌شود. هر یک از گفتمان‌های پیشامدرن، مدرن و پسامدرن واجد اندیشه‌ای مرکزی و اندیشه‌هایی پیرامونی‌اند که آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. بررسی تفصیلی خصوصیات گفتمان‌های ذکر شده و تأثیر آنها بر سوژکتیویته به‌عنوان محور این پژوهش، بخش پایانی این فصل را تشکیل می‌دهد.

در فصل دوم کتاب نگارنده پس از عرضه‌ی گزارشی از تحولات عصر روشنگری به تفاوت‌های میان دکارت و کانت از حیث تأثیرگذاری بر سوژه می‌پردازد. تفاوت‌هایی که منجر به شکل‌گیری سه گفتمان عمده‌ی اصالت جهان، اصالت انسان و اصالت عقل می‌شود. پس از بحث تفصیلی پیرامون هر یک از گفتمان‌ها، نگارنده کوشیده

است تا در جداولی مستقل، دو دانش جامعه‌شناسی و روان‌شناسی را از حیث تعلق به گفتمان، رویکردهای رایج، هدف، موضوع، روش و نیز تأثیرات سرکوب‌کننده و رهایی‌بخش بر سوژکتیویته مورد بحث قرار دهد.

در فصل سوم نگارنده می‌کوشد با ایجاد تمایز میان دو مقوله‌ی «قدرت» و «سلطه» به درک عمیق‌تری از این پدیدار دست یابد. به باور وی یک از مهم‌ترین پرسش‌های مطروحه‌ی امروز، پرسش از چگونگی تبدیل قدرت به سلطه است. امری که در دنیای مدرن به صورت عام، فراگیر و پنهان اتفاق می‌افتد. با الهام از فوکو می‌توان گفت که هر رابطه‌ی اجتماعی، رابطه‌ی قدرت است ولی هر رابطه‌ی قدرت همواره بیانگر سلطه نیست. سلطه ویژگی موقعیتی است که در آن، رابطه‌ی قدرت ثابت، تغییرناپذیر و شکل آن هر می‌است و کنش کم‌وبیش از آزادی محروم باشد. پس وجود یا عدم سلطه بستگی به درجه‌ی انعطاف‌پذیری رابطه‌ی قدرت دارد. اگر رابطه‌ی اجتماعی چنان ثابت و انعطاف‌ناپذیر باشد که تغییر موقعیت افراد را ناممکن کند، می‌توان از وجود سلطه سخن گفت. اما اگر رابطه‌ی اجتماعی دارای انعطاف‌پذیری لازم برای تغییر موقعیت شرکت‌کنندگان در رابطه باشد، نمی‌توان از سلطه سخن گفت. با اذعان به قابل قبول بودن استدلال فوکو در معرفی نظام حقیقت به‌عنوان دینامیسم حاکم بر فرایند سلطه، نگارنده به معرفی شق دیگری از گفتمان قدرت به نام نظام مصلحت می‌پردازد. مطابق این تقسیم‌بندی جدید، دین و ایدئولوژی گفتمان‌هایی‌اند که بیش از هر چیز به تولید نظام حقیقت می‌پردازند. همچنین تکلیف تولید نظام مصلحت نیز بر عهده‌ی نهادهای چهارگانه‌ی دولت (نظام سیاسی)، اقتصاد، آموزش و پرورش، و رسانه است.